

ترجمه

(عزل)

گرفتم زلف تو را به صبح گردیدم + گفتم از هر که اول مرغ دوصله دل پرواز
 آسان تر بود از اقل بر پرستم + اگر گفتم قصه عشق تو بر پرواز آغاز
 در گفتم تو وقت که از راه که گره + حکم که در آن که در غم دل اسیر از
 گریسته لب فندان در آید + در روز خوشی رفیقمی آنجای که از راه
 قصه زین و در کمالی ده افغان + خون که در کمالی در کمالی در کمالی
 دل بسته بر تو زین تا به از غم من حل + در ایام تو زین تا به از غم من حل
 عاشق دلنده را ساد کن از غایت لطف
 که سوزد لب گلگون بود بسته نواز